

نظامی « گنجوی »



حکیم ابو محمد الیاس فرزند یوسف فرزند زکی فرزند مؤید نظامی از شاعرانی است که او را در شمار ارکان شعر فارسی و از استادان مسلم این زبان دانست. این خردمند بزرگ قرن ششم ه.ق. / در گنجه (شهر کیروف آباد) امروزی در (530 - 614 ه.ق.) متولد گردید. (1)

نظامی که نظم دری کار اوست

دری نظم کردن سزاوار اوست

نظامی گنجوی از بزرگترین شاعران پارسی سرای تاریخ خراسان بزرگ تاجیک تبار ایرانی میباشد. او سبک و روش خاص داستانسرایی در زبان فارسی را که قدامت تاریخی دیرینه داشت در صور شعر تمثیلی به پایه کمال رسانید. بیان نظریات و اندیشه های او در قالب منظوم افزون بر انعکاس جنبه های علمی و اخلاقی و فرهنگی، نمودی از تشریح درد اجتماعی آن مقطع از تاریخ وطن مان می باشد. که با حسن مردم گرایی از نظام حاکم وقت شکوه مینماید. و بدین مناسبت اشعاری در نکوهش فرمانروایان ترکان سروده است. اما از شاعران معاصر خود نظامی تنها با خاقانی شروانی ارتباط داشته است. چنانکه بعد از فوت آن استاد در سال 595 ه.ق. در مرثیت او گفت:

همی گفتم که خاقانی دریغا گوی من باشد

دریغا من شدم آخر دریغا گوی خاقانی

نظامی گنجوی در انتخاب مفاهیم و مقولات مناسب و ایجاد ترکیبات خاص تازه و ابداع و اختراع معانی و مضامین واستعارات مطبوع و نو در شمار کسانی است که بعد از خود نظیری ندارد. بطوریکه از اشعارش پیداست، از نجوم، تاریخ، عربی، فقه و اصول، فلسفه و حکمت اطلاع کافی داشته است. وشاعر نیست که مطالعات وسیعی در تمام زمینه های عقلی و نقلی داشت که بر این اصل با غنای ژرف از معرفت زمان با ظرفیت معنائی بهتر، بطن اندیشه های قهرمانان داستانهای خویش را به تأمل میگیرد.

نظامی در حقیقت ذوقنون بوده و در شرح بزم و رزم ، تصوف ، فلسفه ، و حقیقت مذهب ، اعجاز کرده است . و در میان شاعران فارسی زبان ممتاز و منحصر بفرد است.

او یگانه شاعر و سخن سرایی است ، عشق را می شناسد و جذبه های گرم دنیای نفسانی جنسی را عمیقاً درک می کند و روابط عاشقانه میان زن و مرد و هیجان و خلجانات روحی ایندو را تجزیه ، تحلیل و موشکافی مینماید .

اشعارش همه سراپا مغز ، بکر و نستو است که خواننده در هر زمان خویش را هم عصرفکر می کند. تجلی فلسفه یونان ، الهیات و فلسفه اسلامی بخوبی در آثارش نمایان است . او در افسانه سرایی و تحلیل و تجزیه روحيات قهرمانان استاد است .

نظامی با زبان روان و ساده که طبع و سلاست بیانش را منعکس می سازد ، اشعار خویش را سروده است . چنانچه در افسانه « خسرو شیرین و فرهاد » میگوید :

ای باد بگوز راه دل‌داری من
آنرا که نباشد غمی از یاری من
تو خفته بخواب ناز شبهای دراز
آیا داری خبر زبیداری من ؟

در داستان « لیلا و مجنون » چنین میگوید :

آراسـته کـن عـروس وارم
بسـپار بـخاک پـرده دارم
دانم مجنون ز سـوگواری
بـرتـربت مـن کـند گذاری
چـون بـر سـر خـاک مـن نشیند
هـر سـو نـگـرد مـرا نبیند

مهمترین آثار نظامی عبارت اند از :

اول - دیوان پنج گنج (خمسۀ نظامی) :

که شامل 28000 بیت است . که عناوین زیر را در خود دارد :

1 - مخزن الاسرار :

در سال 570 هـ. ق. سروده است و مشتمل بر حدود 2260 بیت در بحر سریع که شاعر آنرا بنام فخرالدین بهرامشاه فرزند داود پادشاه ارزنگان که از متابعان قلج ارسلان پادشاه سلجوقی آسیای صغیر بوده و بسال 622 هـ. ق. در گذشته است نامیده .(2)

این مثنوی مشحون از ابیات شیوا در حکمت و توحید و عرفان و موعظه و ذم ظلم و جور و ستمکاری و ترغیب به زهد و نیکو کاری و انساندوستی می باشد در بیست مقاله . نمونه آن عبارت اند از :

ای همه هستی ز تو پیدا شده
خاک ضعیف از تو توانا شده
زیر نشین علمت کائنات
ما بتو قائم چو تو قائم بذات
هستی تو صورت و پیوند نی
تو بکس و کس بتو مانند نی

آنچه تغییری نپذیرد تویی
آنکه نمرده است و نمیرد تویی
ما همه فانی و بقاء بس تراست
ملک تعالی و تقدس تراست

دایره کردار میان بسته باش
در فلکی با فلک آهسته باش
تیز تگی پی‌شده آتش بود
باز نمائی زتگ آن خوش بود
آب صفت باش و سبکتر بران
کآب سبک هست بقیمت گران...

عمر بخشنودی دلها گذار
تا ز تو خشنود شود کردگار
سایه خورشید سواران (*) طلب
رنج خود و راحت یاران طلب
درد ستانی کن و درماندهی
تات رسانند بفرماندهی
گرم شو از مهر و زکین سرد باش
چون مه و خورشید جوانمرد باش
هرکه بنیکی عمل آغاز کرد
نیکوی او روی بدو باز کرد
گنبد گزرنده ز روی قیاس
هست بنیکی و بدی خود شناس

2 - داستان خسرو شیرین :

نظامی این مثنوی را بسال 576 ه.ق. در 6500 بیت بحر هزج مسدس مقصور و محذوف است و راجع بداستان عشق‌بازی خسرو پرویز با شیرین ساخته. شاعر ضمن داستانسرایي خوانندگان و شنوندگان کلمات و اشعار نغز خویش را بفرآگیری علم و دانش و انسانیت دعوت می کند. مقصود نظامی از این اسلوب القاء هدف های اخلاقی خویش است .

او در همه جا به پند و راهنمایی انسان گشوده است ، و در پی بی اعتباری جهان وزود گذربودن لذات چنین گفته است :

چه خوش باغیست باغ زندگانی
گرایمن بودی از باد خزانی
چه خرم کاخ شد ، کاخ زمانه
گرش بودی اساس جاویدانه
از آن سرد آمد این کاخ دلآویز
که چون جا گرم کردی گویدت خیز

یک امروز است مارا نقد ایام
بر او هم اعتمادی نیست تا شام
بیا تا یک دهن پر خنده داریم
یک امشب را بشادی زنده داریم

پری دختی ، پری بگذار ، ماهی
بزیر مقنعه صاحب کلاهی
شب افروزی چو مهتاب جوانی
سیه چشمی چو آب زندگانی
کشیده قامتی چون نخل سیمین
دوزنگی بر سر نخلش رطب چین
زبس کآورد باد آن نوش لب را
دهان پر آب شکر شد رطب را

3 - داستان لیلا و مجنون :

این داستان در بحر تقارب بسال 584 ه.ق. در 4700 بیت سروده شده است .
خود نظامی (***) میگوید که : این چهار هزار و هفتصد بیت را در کمتر از
چهار ماه سروده ام ، اگر میخواستم تمام اوقات خویش را صرف آنکار کنم ،
آنها را در چارده شب سروده بودم . « . (3)

سلطان سریر صبح خیزان
سرخیل سپاه اشک ریزان
متسواری ره دلنوازی
زنجیری کوی عشق بازی
قانون مغنیان بغداد
بیاغ معاملان بفریاد...

مجنون چو شنید پند خورشید
از تلخی پند شد پریشان
زد دست و درید پیرهن را
کاین مرده چه می کند کفن را
آن کز دو جهان برون زند تخت
در پیرهنی کجا کشت رخت

4 - هفت پیکر :

خمیره واصل مثنوی « هفت پیکریا هفت گنبد ویا بهرامنامه » ملهم از افسانه ها و اسطوره های زمان ساسانی است. این داستان نیز در بحر تقارب که در 5136 بیت است بسال (593 ه.ق.) سروده شده و بیان عیش و عشرت « بهرام گور » (بهرام پنجم پانزدهمین پادشاه سلسله ساسانی جلوس 420 - 438 فوت) را بتشریح میگیرد.

داستان « هفت پیکر » نظامی با این بیت آغاز می شود :

ای برآرنده سپهر بلند

انجم افروز وانجمن پیوند

5 - اسکندر نامه :

اسکندر نامه نظامی مشتمل بر 10500 بیت در دو قسمت بیان شده ، یکی « شرفنامه » و دیگری « اقبال نامه » .
نظامی خود در باره « شرفنامه » چنین میگوید :

ازین آشنان روی تر داستان

خُنیده (***) نباشد برراستان ...

... از آن خسروی می که در جام اوست

شرفنامه خسروان نام اوست

نظامی در کتاب « شرفنامه » آنچه از داستان اسکندر پسر فیلفوس را که فردوسی ناگفته گذاشته بود برشته نظم در آورد. شرفنامه حاوی داستان اسکندر از ولادت تا فتح ممالک و بازگشت بروم است.

و در اقبالنامه سخن از علم و حکمت و پیغامبری اسکندر و مجالس او با حکماء بزرگ و انجام زندگانی وی و انجام روزگار حکمایی است که با او مجالست داشته اند.

و کتاب « اقبال نامه » با این بیت آغاز میگردد :

خدایا جهان پادشاهی تراست

ز ما خدمت آید خدایی تراست

نظامی مطالعات کافی در موسیقی دوره ساسانی داشت . که نام دستگاههای موسیقی و آواز آن دوره را طی قصیده طولانی سروده است:

سنانای بارید آواز در داد

سماغ ارغنون را ساز در داد

ز صد دستان که اورا بود دمساز

گزیده کرد سی لحن خوش آواز

چو باد از (گنج باد آورد) راندی

ز هر بادی لبش گنجی فشاندی

ز (گنج سوخته) چون ساختی راه
ز گرمی سوختی صد گنج را شاه
چو (گنج گاو) را کردی نواسنج
برافشاندی زمین هم گاو و هم گنج
چو (شاد روان مروارید) گفتی
لبش گفتی که مروارید سفتی
چو (تخت طاقدیسی) ساز کردی
بهشت از طاقها در باز کردی

« گنج باد آورد ، گنج سوخته ، گنج گاو ، شادروان مروارید ، تخت طاقدیسی »
- گوشه های از آوازها و آهنگهای دوران ساسانیان می باشد.

دیوان دوم اوست :

شامل قصاید ، غزلیات ، قطعات ، رباعیات میباشند که به طبع رسیده و به
زبانهای : عربی ، اردو ، آلمانی ، انگلیسی ، فرانسوی و روسی ترجمه شده
است . (4)

از دیوان او :

در این چمن که زپیری خمیده شد کمرم
ز شاخهای بقا بعد ازین چه بهره برم
نه سایه بیست زنخلم نه میوه یی کس را
که تند و باد حوادث بریخت برگ و برم
سپهر با قدّ خم گشته می کند لحدم
بیاض موی زکافور میدهد خیرم
ز نافه مشک ترآید پدید واین عجبت
که نافه گشت عیان از سواد مشک ترم
گهر بریخت ز درجم ستاره سان که دمید
ز صوب مشرق حرمان ستاره سحرم...

ای ماه بدین خوبی مهمان که خواهی شد
وای آیت نیکویی در شان که خواهی شد
بالای سر از عنبر چتر ملکی داری
با چتر سیه امشب سلطان که خواهی شد
قندت نتوان خواندن کاز نیشکری خوشتر
دلبر نتوان گفتن درجان که خواهی شد
تو میروی و جانم خواهد شدن از هجرت
ای درد « نظامی » را درمان خواهی شد

- 1- فرهنگ فارسی ، مؤلف : داکتر معین ، ص 2132 .
- 2- مختصر سلجوقنامه ابن الیبی ، لیدن 1902 ، ص 21 ببعده .
- 3 - نظامی گنجوی ، حسین لعل ، چاپ فرائن ، انتشارات پدیده ، ص 10 .
- 4- جهت معلومات اضافه رجوع شود به :
- « تاریخ ادبیات در ایران » ، مؤلف : داکتر ذبیح الله صفا ، ج 2 ، تهران ، فردوسی ، 1373 . ص 798 - 824 .
- « ریاحی ، لیلی » : قهرمانان خسرو و شیرین ، تهران ، امیرکبیر ، 1376 .
- « تاریخ ایران کمبریج » ، گردآورنده : بویل ، جی ، آ: ج 5 ، ترجمه حسن انوشه ، تهران ، امیرکبیر ، 1366 .
- « تاریخ ادبیات ایران (از فردوسی تا سعدی ، نیمه دوم) » ، مؤلف : براون ، ادوارد ، ترجمه غلامحسین صدری افشار ، تهران ، مروارید ، 1368 .
- « تاریخ ادبیات ایران » ، رضازاده شفق ، صادق : ، شیراز ، دانشگاه پهلوی ، 1354 .

(*) خورشید سواران : زحمتکشان آفتاب گرد که پای بر آفتاب روی زمین می نهند .

(**) این چار هزار بیت اکثر شد گفته بچار ماه کمتر

گر شغل دگر حرام بودی در چارده شب تمام بودی

(***) خنثیده : مشهور